

### متن پرسش

با سلام و عرض ادب خدمت استاد عزیز: در خصوص سوال شماره ۲۴۶۱۲: استاد گرامی بسیار بسیار از شما تشکر می‌کنم که حوصله به خرج دادید و کمک بزرگی کردید در خصوص سوال فوق. بعد از راهنمایی و دادن ۳ جواب خصوصا جواب آخری استاد تحول عجیبی در من رخ داد و تصمیم گرفتم خواست خود را حذف و با توجه به راهنمایی شما نظر خانواده رو مقدم بدانم و تصمیم بگیرم به خواست آنها برگردم به شهر. به خانواده گفتم آرامش و دلخوشی شما مهمتر از فامیل است و آنجا که دلتون خوش است منم خوشم و بخاطر شما برمی‌گردیم تا شما راحت باشید. شبش رفتیم دعای کمیل گلستان شهدا استاد جان من واقعا خواست خدا رو در نظر گرفتم و گفتم خدایا هر جور صلاح می‌دانی ما رو در مسیری که دوست داری قرار بده و من دیگه نظرم رو به خانواده تحمیل نمی‌کنم و فقط فقط خواست و آرامش و راحتی آنها برایم مهم است کمک کن و توسل به امام زمان (عج) را در نظر گرفتم. استاد اتفاق عجیبی افتاد فردای آن روز همسر و فرزندانش آمدند و گفتند ما صادقانه دوست داریم اینجا بمانیم و دودوتا چهارتایی کردیم و تصمیم گرفتیم بمانیم و از فکر برگشت برو بیرون. من شکه شدم این چه تصمیمی است که یکدفعه گرفتند. بازم به آنها گفتم هر جور راحت هستید من عمل می‌کنم و اگر واقعا خواست شما این است من همین جا می‌مانم و بر نمی‌گردیم شهر. و به قول معروف با توکل زانوی اشتر ببند منم توکل کردم و گفتم به تصمیم شما می‌مانیم حالا استاد با توجه به شرح احوالات گذشته دو سوال دارم: ۱. آیا من طبق راهنمایی شما که نظر جمع رو در نظر گرفتم و تنهایی تصمیم نگرفتم آیا نیتم درست بوده که سپردم به خدا چون بعد از سپردن آرامش عجیبی به من دست داد و گفتم خدا رقم بزنه بهتره ۲. آیا این تصمیم ناگهانی آنها که کلا برعکس قبلشان بود و خودشان گفتند نه از دلسوزی و ترحم برای من بوده نه حوس بلکه خودمان انتخاب کردیم همان اراده خداست که چون سپردم دست خدا یکدفعه همه چیز تغییر کرد و این طوری نشان داد؟ بازم ممنون لطفا در سایت جواب بدید جیمیل دیر بدستم میرسه یا اصلا نییاد. خدا خیر دنیا و آخرت به شما بدهد که کلامتان نافذ و راهگشاست.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. این‌جا نظر جمع همان نظر خداوند است. ۲. ان شاءالله تصمیم آن‌ها برایشان مفید خواهد بود. موفق باشید